

نهادهای و تجارت بین الملل: آموزه‌های انقلاب تجاری*

اونر گریف

مترجم: رضا مجیدزاده**



۱۵۲

بررسی نهادهای حاکم بر تجارت در دستور کار خود نظریه تجارت بین الملل قرار نگرفته است. طبق نظریه تجارت بین الملل، تجارت تحت تأثیر وفور نسبی منابع، تکنولوژی، ترجیحات و ماهیت رقابت در بازارهای بین المللی صورت می‌گیرد. اگرچه، تحلیل نهادی تاریخی نشان می‌دهد که، فهم نحوه تعیین میزان واقعی تجارت، و نه میزان بالقوه آن، نیازمند تحلیل نهادی است.

مطابق رهیافت الیور ویلیامسون (۱۹۸۵)؛ از دیدگاه تحلیل نهادی تاریخی، تجارت میان واحدهای سیاسی و اقتصادی مبتنی بر دنباله‌ای از روابط مبادله سیاسی و اقتصادی و ترکیبی از این روابط است. از آنجایی که نهادها «هزینه‌ها را تعیین می‌کنند و از اینرو بر سوددهی و توجیه‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارند» (نورث، ۲۷: ۱۹۹۱)، ماهیت نهادهایی که بر این روابط حاکم هستند، مسیر تجارت و میزان آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در هر برهه‌ای از زمان، مجموعه نهادها، وفور نسبی منابع، تکنولوژی و ترجیحات به صورت توأمان میزان واقعی تجارت را تعیین می‌کنند.

در شرح تاریخیچه «انقلاب تجاری» (قرون یازدهم تا چهاردهم)، یعنی دوره‌ای که طی آن

* این اثر ترجمه‌ای است از مقاله: Greif, A, "Institutions and International trade: Lessons from the Commercial Revolution", The American Economic Review, Vol. ۸۲, No. ۲, Papers and Proceedings of the Hundred and Fourth Annual Meeting of the American Economic Association. (May, ۱۹۹۲), pp. ۱۲۸-۱۳۳.

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته اقتصاد و پژوهشگر اقتصاد



تجارت راه دور اروپا و مدیترانه پس از نزولی طولانی مجددا رونق یافت، رابطه بین نهادها و تجارت به خوبی انعکاس یافته است (به عنوان مثال، ن.ک. لوپز، ۱۹۷۶). این رونق مجدد در واکنش به تغییرات تکنولوژی یا وفور نسبی منابع صورت نگرفت. در عوض تغییرات نهادی ناشی از وقایع سیاسی و اجتماعی انگیزه لازم را برای پیشبرد تجارت و یک فرایند مکمل تکامل نهادی و توسعه تجارت به وجود آورد. پیش از ظهور نهادهای مناسب، عواید حاصل از تجارت هم برای پیشبرد تجارت و هم برای ایجاد نهادهای مورد نیاز ناکافی بود. نهادهای نوظهور علاوه بر اینکه تلاش برای کسب عواید تجارت را منعکس می ساختند محصول فرایندهای سیاسی و اجتماعی نیز بودند. عوامل سیاسی و اجتماعی از طریق مواردی چون انتظارات و اقدامات هماهنگ کننده، در دسترس بودن اطلاعات و توان ایجاد مقدمات کنش جمعی و قابلیت استفاده از نیروی قهری را در تعقیب اهداف اقتصادی تعیین می کنند.

این نهادها حتی در صورتی که نتیجه روابط مابین عوامل سیاسی و اجتماعی و نهادها باشند، «انتخاب بهینه نوع دوم» نیستند. یعنی، این نهادها با فرض وجود تکنولوژی (راهیابی اطلاعات و اجرای قرارداد) دوره مورد نظر، عواید حاصل از تجارت را حداکثر نمی نمایند. در این مقاله با بررسی مبادی، پیچیدگی و آثار نهادهایی که بر روابط مبادله حاکم بودند و باعث شکل گیری یا توانمندسازی تجارت در دوران انقلاب تجاری شدند، قصد اثبات نکات فوق را دارم.

۱- نهادهایی که بر روابط بین فرمانروایان و تجار بیگانه حاکم بودند

فرمانروایان قرون وسطی با برخورداری از انحصار قدرت قهری، اسیر وسوسه اجحاف در حق تجار بیگانه ای که در قلمروی آنان حضور داشتند، نیز می شدند. بدون وجود نهادی برای متعهد ساختن فرمانروا در پابندی به حمایت از حقوق تجار بیگانه در آینده، به احتمال زیاد این تجار در قلمرو فرمانروایان قرون وسطی حضور کم رنگی داشتند و از این طریق تجارت به صورت کارا صورت نمی گرفت. این نکته برای ادوارد اول، پادشاه انگلستان روشن شد و او در سال ۱۲۸۳ میلادی نوشت که «اغلب تجار (از ترس فقدان حمایت) از آوردن کالاهای تجاری خود به این سرزمین منصرف می شوند تا از گزند تجار و کل پادشاهی در امان باشند». (اسناد تاریخی انگلستان ۴۲۰: ۱۹۷۵).



از آنجا که انتظار می‌رفت روابط تجاری به صورت مستمر ادامه یابد، ممکن است کسی متوجه شده باشد که سازوکار نیکنامی دوجانبه یا سازوکار هماهنگ نشده نیکنامی چند جانبه‌ای که در چارچوب آنها تاجر یا گروه تحت اجحاف مبادله را ترک می‌کنند، مشکل تعهد را رفع خواهد کرد. تحت چنین سازوکاری، یعنی مشروط کردن تجارت در آینده به رفتار گذشته ممکن است فرمانروا را به تعهدات خود پایبند سازد. البته، مطالعه گریف و سایرین (۱۹۹۱) نشان می‌دهد که این سازوکار باوجود تضمین تحقق میزانی از تجارت، دستیابی به سطح کارای تجارت را تضمین نمی‌کند. به علت اینکه ارزش تجارت آتی تجار «خرده‌پا»^۱ برای فرمانروا صفر است و از این رو فرمانروا برای اجحاف در حق این‌گونه تجار وسوسه می‌شود سازوکار نیکنامی دوجانبه شکست می‌خورد. در جهانی که توزیع نامتقارن اطلاعات، ارتباطات کند و تفاسیر متفاوت معقول از واقعیات مشخصه آن هستند، سازوکار نیکنامی چند جانبه نیز به دلایل مشابه شکست می‌خورد.

به منظور غلبه بر مشکل پایبندی به تعهد فرمانروا در سطح کارای تجارت، سازمانی مورد نیاز است که واکنش‌های تجار را هماهنگ کند. زمانی که این نیاز تأمین شود، تعادلی به وجود می‌آید که در آن تهدید تمامی تجار به توقف تجارت در صورت اجحاف فرمانروا به حقوق هرکدام، فرمانروا را وادار به پایبندی به تعهداتش خواهد نمود. هرچند، از آنجا که این تعادل مستلزم ایجاد حق تحریم کامل خواهد بود و در طی تحریم تجارت به میزانی کاهش می‌یابد که، (به عنوان مثال) سازوکار نیکنامی دوجانبه غیرکارا می‌شود و از این رو برخی تجار اقدام به مذاکره مجدد برای از سرگرفتن تجارت خواهند نمود، تعادل فوق منصفانه و معقول نیست. در این وضعیت با کاهش جریمه‌ای که سازمان می‌تواند به فرمانروا تحمیل کند، سازمان در حل مشکل پایبندی به تعهد ناتوان خواهد شد. بنابراین، به منظور حمایت از تحقق سطح کارای تجارت، باید یک سازوکار نیکنامی چند جانبه به همراه یک سازمان توانمند در هماهنگ‌سازی واکنش‌ها و تضمین پیروی از درخواست تجار در تصمیم‌گیری برای تحریم، به صورت مکمل وجود داشته باشند.

شواهد تاریخی که توسط گریف و سایرین (۱۹۹۱) تهیه شده‌اند، نشان می‌دهند که طی دوران انقلاب تجاری نهادی با خصوصیات فوق، یعنی صنف تجاری، باعث گسترش تجارت شده است. با وجود اینکه صنف تجاری پیش شرط گسترش تجارت بود، رشد آن در مناطق مختلف معلول ظهور عواید ناشی از تجارت نبوده است. بلکه در عوض، زمان رشد اصناف



و به دنبال آن گسترش تجارت به وسیله عوامل سیاسی و اجتماعی تعیین می‌شوند. به عنوان مثال، تفاوت‌های میان اصناف اروپای شمالی و جنوبی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. به علت وقایع سیاسی و اجتماعی پیرامون مدیترانه دولت شهرهای ایتالیا به میزان زیادی رشد کردند. از آنجا که هر شهر کارکردی به مثابه یک صنف را داشت، تجارت ایتالیا گسترش یافت و میزان تجارت آن نشان می‌دهد که تجار آن خرده‌پا نبوده‌اند.

علی‌رغم اینکه عواید بالقوه تجارت در دریای بالتیک نیز به همان میزان قابل توجه بود فرایند استقرار در این منطقه منجر به ایجاد شهرهای کوچکی شد که برای امنیت تجار خود در خارج از منطقه تضمینی به همراه نداشتند. تنها پس از طی یک فرایند طولانی تکامل نهادی بود که این شهرها به یک صنف تجاری بین‌شهری، یعنی ژرمن هانزا^۲ ملحق شدند، و این صنف زمینه رونق تجارت منطقه بالتیک را به وجود آورد (فیلیپه دولینگر، ۱۹۷۰). به دلیل اینکه ظهور و تکامل این اصناف تجاری تحت تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی بوده است، هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم نهادهای سیاسی و اجتماعی انتخاب بهینه نوع دوم بوده‌اند. این ادعا به وسیله مشاهدات مربوط به تکامل نهادی کند ژرمن هانزا اثبات می‌شود. تکامل نهادی ژرمن هانزا بازتاب تغییرات فنی نیست، بلکه نشان می‌دهد در هر برهه از زمان، نهادهای موجود، انتخاب بهینه نوع دوم نبوده‌اند.

۲- نهادهای حاکم بر روابط بین تجار و کارگزاران برون مرزی

طی دوران انقلاب تجاری، گسترش تجارت به واسطه استخدام کارگزاران برون مرزی میسر شد که تجار را قادر ساختند تا با کاهش زمان و ریسک مسافرت، تنوع بخشی به فروش و مواردی از این قبیل، هزینه‌های تجارت را کاهش دهند. البته به منظور کاهش هزینه کارگزاران برون مرزی ناگزیر از داشتن کنترل بر سرمایه برون مرزی تجار بودند، منتهی به این وسیله توان انجام اقدامات فرصت طلبانه و سلب مالکیت سرمایه از تجار را هم می‌یافتند. از این رو، در غیاب نهادهایی که فرصت طلبی را محدود می‌سازند، احتمالاً تجار اقدام به استخدام کارگزار نمی‌کردند. چه نهادهایی روابط کارگزاری را هدایت کردند و امکان گسترش تجارت را به وجود آوردند؟ آیا ظهور این نهادها در پی تغییرات تکنولوژی و یا وفور نسبی منابع بوده است؟ آیا این نهادها هزینه تجارت را تا پایین‌ترین میزان موجه آن کاهش دادند؟

در مطالعه پیشین خود (گریف، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰)، نهادهای حاکم بر روابط میان تجار



مغربی را که در قرن یازدهم در منطقه مسلمان نشین مدیترانه فعالیت می‌کردند، بررسی نموده‌ام. تجار مغربی از نوادگان تجار یهودی مسلکی بودند که در قرن دهم، مناطق پیرامون بغداد را که به صورت فزاینده‌ای از نظر سیاسی ناامن می‌شدند، ترک کرده و به شمال افریقا مهاجرت کردند. این مهاجرت، به واسطه هماهنگ سازی انتظارات و ایجاد شبکه‌ای اجتماعی برای انتقال اطلاعات، تجار مغربی را قادر ساخت تا روابط کارگزاری را در قالب یک ائتلاف مبتنی بر سازوکار نیکنامی چندجانبه سازماندهی کنند.

از آنجا که ارزش روابط آتی با همه مغربی‌ها باعث می‌شد هر کارگزاری صادق باشد، شبکه تجاری و اجتماعی تجار مغربی اطلاعات لازم را برای کشف و اعلام خدعه به وجود آورد و مجازات چندجانبه نیز خود اجرا^۳ بود. هر کارگزاری در صورتی که حین اعمال خدعه دستش رو می‌شد، انتظار نمی‌رفت توسط مغربی‌ها استخدام شود و به اقامت خود در آنجا ادامه نمی‌داد تا به میزان ارزش روابط آتی با آنها متضرر شود. بنابراین، هر تاجر مغربی که هرگز چنین شخصی را استخدام نمی‌کرد، ناچار بود تا پول بیشتری در ازای صادق ماندن کارگزار خود بپردازد. از این رو هر تاجری وادار بود تنها کارگزاری را استخدام کند که انتظار می‌رفت توسط تاجر دیگر هم استخدام خواهد شد.

علاوه‌براین، اگر کارگزاری که اعمال خدعه کرده بود، مغربی‌های دیگری را به عنوان کارگزار خود استخدام می‌کرد، آنها آزادانه می‌توانستند بدون تحمل مجازات علیه وی خدعه کنند. از این رو، سرمایه‌گذاری تجاری هر کس، با کارکردی به مثابه یک ورقه قرضه، توانایی وی را برای پایبندی به تعهداتش افزایش می‌داد. بنابراین، تاجر در استخدام تاجر دیگری انگیزه می‌یافتند که آنان نیز به مثابه یک کارگزار در تجارت سرمایه‌گذاری کرده بودند و از این طریق باعث اتحاد اجتماعی مغربی‌ها به صورت گروهی از تاجر طبقه متوسط می‌شدند. فعالیت ائتلاف تحت حمایت مجموعه‌ای از قواعد فرهنگی رفتار بود که با نشان دادن آنچه که باعث خدعه می‌شود، ائتلاف را از قراردادهای جامع و واکنش‌های هماهنگ شده بی‌نیاز می‌نمود. حتی زمانی که انتظار نمی‌رفت روابط مابین تاجری خاص و کارگزارش تکرار شود مجازات چندجانبه استخدام کارگزار را امکان‌پذیر می‌ساخت. عواید اضافی ناشی از همکاری ارزش جریان‌های اطلاعات و انتظارات مربوط به استخدام در آینده نزدیکی میان اعضای ائتلاف را تضمین می‌کرد. مغربی‌ها تنها برای استخدام مغربی‌های دیگر یا استخدام توسط آنها انگیزه داشتند، در حالی که غیرمغربی‌ها را از استخدام مغربی‌ها مأیوس می‌نمودند.

با وجود سابقه تاریخی سیاسی و اجتماعی متفاوتی که منجر به نهادهایی مبتنی بر کنترل سیاسی و نیکنامی دوجانبه شد، نهادهای هدایت کننده روابط کارگزاری در میان تجار ایتالیایی نیز ظهور پیدا کردند. به اعتقاد من (گریف، ۱۹۹۰ b)، تقریباً در اواسط قرن دوازدهم، روابط کارگزاری میان تجار جنوایی^۴ و کارگزاران برون مرزی آنها تحت مدیریت «ائتلافی سیاسی» بود. فراکسیون سیاسی که شهر جنوا را کنترل می کرد، تجارت برون مرزی پرسود جنوا را تحت انحصار خود در آورده بود. این فراکسیون با استفاده از انحصار خود کانون رانته برای کارگزاران به وجود می آورد تا با مشروط ساختن سرمایه گذاری تجاری آتی آنها به سوابق رفتاریشان، کارگزاران را صادق نگاه دارد.

وقایع سیاسی آخرین دهه قرن دوازدهم در جنوا، این انحصار سیاسی را از بین برد و زمینه تجارت سودآور برون مرزی را برای تمام اهالی جنوا فراهم ساخت. خود شهر جنوا به واسطه مهاجرت به آن (و به رغم نرخ بالای موالید) به سرعت رشد کرد. این وقایع سیاسی و اجتماعی منجر به ایجاد شبکه های اجتماعی ناپایدار و جلوگیری از ظهور ائتلافی مبتنی بر نیکنامی چندجانبه شد. در عوض، سیستم پاترونی^۵، مبتنی بر سازوکار نیکنامی دوجانبه، برای اداره روابط کارگزاری به وجود آمد. هر تاجری با مشروط ساختن استخدام آینده به سوابق رفتاری و پرداخت حقوقی که به اندازه کافی زیاد باشد، انگیزه صداقت را در کارگزار خود به وجود می آورد.

ائتلاف مغربی ها، ائتلاف سیاسی، و سیستم پاترونی، نهادهای متفاوت وابسته به فرایندهای تاریخی، اجتماعی و سیاسی معین و اجزای درونی آنها بودند. این فرایندها ماهیت نهادهای پیش گفته و زمان ظهور و از میان رفتن آنها را تعیین می کردند. این نهادها با تعریف روابط کارگزاری موجه، هزینه روابط گوناگون کارگزاری را تعیین می کردند و از این رو بر اندازه و مسیر تجارت تأثیر می گذاردند.

علاوه بر این، تکامل این نهادها و جزئیات عملکرد آنها نشان می دهد که این نهادها انتخاب بهینه دوم نبوده اند. در میان مغربی ها، اندازه ائتلاف، که تحت تأثیر فرایند مهاجرت بود و از نیاز تجاری تأثیر نمی پذیرفت، حجم تجارت را محدود می کرد. هرچند که این نقص از طریق سازمان هماهنگ کننده مناسبی قابل رفع بوده است، اما چنین سازمانی به وجود نیامد. وانگهی سازوکار نیکنامی چندجانبه، تجار مغربی را به طرفداری از روابط کارگزاری سودده تر اما ناکارتر در میان خودشان، به سمت چشم پوشی از روابط کارا با تجار غیر مغربی سوق داد.



نه ائتلاف سیاسی و نه سیستم پاترونی هیچ یک نمی توانستند از روابط کارگزاری حمایت کنند که انتظار می رفت تکرار شوند. اگرچه، تحت ائتلاف سیاسی حجم تجارت از طریق عوامل سیاسی تعیین می شده، اما تحت سیستم پاترونی آزادی ورود به عرصه تجارت امکان توسعه تجارت را فراهم می آورد. از طرف دیگر، سیستم پاترونی نیازمند وجود تفاوت میزان ثروت بین تجار و کارگزاران بود، که این مسئله روابط کارگزاری را محدود می کرد. علی رغم اینکه وجود سازمان مناسبی می توانست این نقص را مرتفع سازد، تا یک قرن بعد چنین سازمانی به وجود نیامد (گریف، ۱۹۹۲).

محدودیت در اندازه ائتلاف بر این نکته دارد که اقتصادی با روابط کارگزاری تحت هدایت ائتلافها، در مقایسه با اقتصادی مبتنی بر سیستم پاترونی، به میزان کمتری فرصت های تجاری جدید به دست خواهد آورد. در واقع، تجار ایتالیایی نسبت به تجار دنیای اسلام از برتری تکنولوژیکی برخوردار نبودند. با این حال، در همان دوره آنها مرزهای تجاری خود را تا شرق دور گسترده و در عین حال نشان دادند ساختار نهادی شان، آنها را تبدیل به صادرکننده خدمات تجاری نموده است.

نهادهای مزبور فرایند تکامل نهادی را نیز به واسطه ایجاد مشوق های مجزا تحت تأثیر قرار دادند. به عنوان مثال، زمانی که روابط کارگزاری تحت هدایت سیستم پاترون بود، تجار در جهت تأسیس «بنگاه های خانودگی» انگیزه پیدا کردند، که کارگزاران را استخدام می نمودند و اساس آنها حفاظت از ثروت تحت مالکیت مشترک بود. در واقع، جنوایی هایی که سیستم پاترونی را در قرن دوازدهم به کار بستند، در قرن سیزدهم روابط کارگزاری را در بنگاه های خانوادگی سازماندهی کردند.

یک بنگاه خانوادگی که طول عمر محدودی داشت و در مقایسه با تجارت انفرادی احتمال ورشکستگی آن کمتر بود، میزان دستمزد لازم را برای صادق نگاه داشتن کارگزاران کاهش می داد. البته، از آنجا که دستمزد لازم برای صادق نگاه داشتن کارگزار، از مدت زمان انتظاری تداوم روابط کارگزاری با هر تاجر معینی مستقل بود، در هر ائتلاف مبتنی بر مجازات چند جانبه، بنگاه خانوادگی باعث کاهش دستمزدها نمی شد. رشد بنگاه های خانوادگی در ایتالیا منجر به توسعه بازاری برای سهام و قرضه بنگاه های خانوادگی شده که امکان سرمایه گذاری تجاری را فراهم ساخت. از این رو، نهادهای اولیه متفاوت موجب تکامل نهادهای مختلفی شدند که تجارت را بیشتر تحت تأثیر قرار دادند (گریف، ۱۹۹۲).

۳ - نهادهای حاکم بر روابط میان تجار با اطلاعات محدود

طی قرن دوازدهم و سیزدهم بخش اعظم تجارت میان اروپای جنوبی و شمالی در هفته‌بازارهای منطقه شامپاین^۶ انجام می‌شد. هفته‌بازارهای شامپاین جایی بود که در آن تجار نواحی مختلف قراردادهایی، نظیر قرارداد تحویل آتی، با یکدیگر عقد می‌کردند که، لازم بود طی زمان اجرا شود. چگونه تاجری از یک جامعه می‌تواند به تعهدات قراردادش با یک تاجر از جامعه‌ای دیگر پایبند باشد؟ دلالت‌های کارایی نهادهای حاکم بر این مبادله چه بوده‌اند؟

پال آر. میلگروم و سایرین (۱۹۹۰) نشان می‌دهند که در جوامع تجاری بزرگی که این بازارهای مکاره به صورت مکرر در آنها تشکیل می‌شد، سازوکار نیکنامی نمی‌توانست مسئله پایبندی به تعهدات را حل کند. جوامع بزرگ فاقد شبکه‌های اجتماعی لازم برای شناساندن سوابق گذشته افراد به همگان بودند. میلگروم و سایرین نشان می‌دهند که قابلیت اجرای قرارداد در هفته‌بازارهای شامپاین به واسطه سیستم حقوق تجاری به وجود آمد که در چارچوب آن برای تکمیل سازوکار نیکنامی چندجانبه به دادگاه متوسل می‌شدند.

فرض کنید هر جفت از تجار تنها برای یکبار با هم به توافق می‌رسیدند و هر تاجر تنها از تجربه خود آگاه بود. از آنجا که دادگاه‌های هفته‌بازارها فاقد توان اجرای حکم بودند، همین‌که به فرض تاجری بازار را ترک می‌کرد، دادگاه تنها می‌توانست اقدامات گذشته وی را تأیید کرده و سوابقی از تجار متخلف در گذشته نگاه دارد، بنابراین برای دادگاه بایگانی اطلاعات و دادخواست علیه هر تاجر هزینه بر بود.

به رغم این هزینه‌ها یک تعادل (مرتباً متقارنی) وجود داشت که در آن خدعه روی نمی‌داد و تجار ترغیب می‌شدند تا اطلاعات لازم را برای پشتیبانی از همکاری در اختیار دادگاه قرار دهند. این قدرت دادگاه بود که یک سازوکار نیکنامی چندجانبه را از طریق کنترل اطلاعاتی به جریان می‌انداخت که انگیزه‌های مناسب را به وجود می‌آوردند.

این تحلیل نشان می‌دهد که مرکزیت بازارهای شامپاین در تجارت اروپا بازتابی از صرفه‌های مقیاس اجرای سازوکار نیکنامی چندجانبه تحت حمایت دادگاه است. اگر این گزاره صادق باشد، توزیع جغرافیایی بخش اعظمی از تجارت اروپا در قرون دوازده و سیزده فرایند تاریخی را منعکس می‌کند که در آن زمان و مکان منجر به ظهور آن نهادهای خاص شدند. همان‌طور که مطالعات نظری وابستگی به مسیر طی شده نشان می‌دهد، ضرورتی نداشت که این فرایند بهینه باشد (به عنوان مثال ن.ک. پال دیوید، ۱۹۸۸).

۴- نتیجه گیری

در این مقاله نهادهایی مورد بررسی قرار گرفتند که مشکل پایبندی به تعهدات را حل کردند و از این طریق، توسعه تجارت را در طول دوره انقلاب تجاری مورد حمایت قرار دادند. این نهادها در عین اینکه تجارت را امکان پذیر ساختند، محصول فرعی (و هم آمیخته با) تاروپود اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی آن دوران بودند. به خودی خود، هیچ دلیلی ندارد که باور کنیم این نهادها انتخاب بهینه نوع دوم بوده اند.

در عوض، طبق شواهد، آنها سیستم های خود اجرایی پایداری بودند، که استعداد واکنش به فرصت های افزایش ثروت در آنها قرار داده نشده بود. این ادعا از جانب بررسی سطح خرد این نهادها با توسل به پدیده های سطح کلان تقویت می شود، یعنی خود انقلاب تجاری آنگونه که رخ داده، واکنشی به عواید جدید حاصل از تجارت نبوده است.

طی انقلاب تجاری نهادها رفتار تصمیم گیران را مقید ساختند و روابط بین سوددهی و کارایی را در روابط مبادله ای متعین کردند که باعث ایجاد یا توسعه تجارت می شدند. از اینرو این نهادها کارایی، حجم و توزیع جغرافیایی جریان های تجاری را تعیین کرده و سپس از خلال تأثیر بر تکامل نهادی، سیاسی و اجتماعی، تجارت را متأثر نمودند. علاوه بر نهادهای پیش گفته، تجارت بین المللی امروزی از جانب نهادهایی تأثیر می پذیرد، که به عنوان مثال بر بازار آتی های کالا، انباشت و انتشار بین المللی دانش، روابط میان سرمایه گذاران خارجی و دولت ها و روابط بین تولیدکنندگان و توزیع کنندگان و زنجیره تأمین برون مرزی حاکم هستند. فهم جامع عوامل موثر بر تجارت بین المللی تحقق یافته (به عوض تجارت بالقوه) در گذشته حال و آینده نیازمند تحلیل تفصیلی نهادهای حاکم بر روابط مبادله مقوم یا زمینه ساز تجارت بین المللی است.



پی‌نوشت‌ها:

- ۱- Marginal با توجه به اجزای جمله و استدلال نویسنده و سیاق عبارات، خرده‌پا به معنی تاجر با متاع اندک و در حاشیه برانزده‌تر است. م.
- ۲- German Hansa
- ۳- یعنی اجرای آن نیازمند وجود طرف سوم نبود. م.
- ۴- Genoese
- ۵- Patron system واژه پاترون به تنهایی به معنی حمایت و پشتیبانی معنوی است. م.
- ۶- Champagne ناحیه تاریخی و کشاورزی شامپاین در شمال شرقی فرانسه. م.

منابع:

- David, A. Paul, "The Future of Path-Dependent Equilibrium Economics," CEPR Working Paper No.155, Stanford University, 1988.
- Dollinger, Philippe, The German Hansa, Stanford, DA: Stanford University Press, 1970.
- Greif, Avner, "Reputation and Coalitions in Medieval Trade: Evidence on the Maghribi Traders," Journal of Economic History, December 1989, 49, 857-82.
- _____, (1990a) "Contract Enforceability and Economic Institutions in Early Trade: The Maghribi Traders' Coalition," working Paper, Stanford University, 1990; American Economic Review (forthcoming).
- _____, (1990b) "Reputation and Coalitions in Medieval Trade: Evidence on the Genoese Traders," working paper, Stanford University, 1990.
- _____, "Cultural Beliefs as a Common Resource in an Integrating World: An Example from the Theory and History of Collectivist and Individualist Societies," in p. Dasgupta, K. G. Maler, and A. Vercelli, eds., The Economics of Transnational Commons, unpublished collective volume, 1992 (forthcoming).
- _____, R., "The Merchant Gilds as a Nexus of Contracts," Working paper, Stanford University, 1991.
- Lopez, R.S., The Commercial Revolution of the Middle Ages, 950-1350, Cambridge: Cambridge University Press, 1976.
- Milgrom, Paul. R., North, Douglass, C. and Weingast, Barry R., "The Role of Institutions in the Revival of Trade: The Law Merchant, Private Judges, and the Champagne Fairs," Economics and Politics, March 1990, 2, 1-23.
- North, Douglass C., "institutions, Winter 1991, 5, 97-112.
- Williamson, Oliver E., The Economic Institutions of Capitalism, New York: Free Press, 1985.
- English Historical Documents. 1189-1327, vol. 3, Harry Rothwell, ed., London: Eyre and Spottiswoode, 1975.